

تخیل یا واقعیت

قیام عیسی مسیح

کجاست ؟ نیش تو چه شد ؟ ... خدا را شکر برای تمام اینها ! اوست که ما را بوسیله خداوندان عیسی مسیح پیروز میگرداند .

۶. با اتفاق رستاخیز خداوند یک حقیقت را برای ما آشکار ساخته ، که از تجربه ی دنیوی ما از فضا و زمان فراتر می‌رود : دنیای سه بعدی ما کل واقعیت نیست . عیسی حقیقت ابدیت را به ما شهادت داد .

خواننده عزیز برای شما قیام عیسی مسیح چه اهمیت و مفهومی دارد ؟

هر شخصی که در دعا ، به مسیح روی می آورد و بار گناهانش را به او بدهد و زندگیش را به او میسپارد ، از همه بدی ها آزاد شده و حیات جاودان را از او به رایگان دریافت می‌کند . او وعده داده است که کسی که به نزدش بیاید را رد نمی کند : ” هر که نزد من آید ، من هرگز ایشان را از دست نمی دهم ” (یوحنا ۶ ، ۳۷) . ورود به ملکوت آسمان هیچ راه دیگری ندارد ، جز به واسطه عیسی (اعمال رسولان ۴ ، ۱۲) . حیات جاوید را محکم نگاهدار که برای آن خواننده شده ای (اول تیموتائوس ۶ ، ۱۲) .



پروفسور دکتر ورنر گیت

Title of the original edition: Wahn oder Wirklichkeit? Die Auferstehung Jesu Christi
Homepage of the Author: www.wernergitt.com
مترجم ، الهام ساریخانی

Bruderhand-Medien
Am Hofe 2, D-29342 Wienhausen
E-Mail: info@bruderhand.de
Homepage: bruderhand.de

Nr. 137-36: Persisch/Persian (Farsi), 1st edition 2020



© RomoloTavani - istockphoto.com

باشد ، اگر حتی بمیرد ، بار دیگر زنده خواهد شد . و چون به من ایمان دارد ، زندگی جاودان یافته ، هرگز هلاک نخواهد گردید" (یوحنا ۱۱ ، ۲۶-۲۵) .

۴. رستاخیز اساس نجات ایمان ما ست : بدون حقیقت رستاخیز هر بشارتی بیهوده خواهد بود : „اگر مسیح زنده نشده است ، بنابراین موعظه ما بیهوده است ، پس ایمانمان هم بیهوده است.“ (اول قرن‌تین ۱۵ ، ۱۷) . بعد از یک بحث طولانی با یک مسلمان ، سوال هدفمندی از من کرد: ” اگر بتواند شخصی به شما ثابت کند که عیسی اصلاً زنده نشده است ، آیا ایمانتان از بین می رود ؟ ” پس به طور واضح و شفاف به او پاسخ دادم: بلی! اگر عیسی زنده نشده است ، پس میلیونها انسان گمراه شده اند و همه پرستشات و دعاها بیهوده بوده است و تمام تعهدات در ملکوت خداوند بی معنی می ماند و همه افرادی که جان خود را به خاطر ایمان به عیسی مسیح فدا کردند ، بیهوده می بود . پس ما هنوز هم در گناه بودیم و یک گمشده . بنابراین بی خدایان و نظریه پردازان تکاملی حق را به خودشان میدادند . اما عیسی قیام کرده است ! و بخاطر همین است که هر موعظه ای ارزش دارد و هر خدمتی در نام مسیح ارزشمند است . ایمان به عیسی مسیح قطعاً نجات می بخشد .

۵. مرگ شکست خورده است : هر که به عیسی ایمان دارد ، در نهایت مشکل مرگ را حل کرده است . پولس پیروزی عیسی بر مرگ را در اول قرن‌تین ۱۵ ، ۵۴-۵۵ + ۵۷ اینطور توصیف می‌کند: ” زندگی بر مرگ پیروز شد . ای مرگ پیروزی تو

قیام مسیح چه اهمیتی برای ما دارد ؟

۱. کلام خدا حقیقت را بیان می کند : با رستاخیز عیسی، تمام بشارت انبیا در عهد عتیق، که به قیام او اشاره دارد، ناگهان انجام شد . اشعای نبی (باب ۵۳ ، ۹-۸ و ۱۱) به مرگ ، قبر و قیام عیسی اشاره دارد: ” به ناحق او را به مرگ محکوم کردند و کشتند ، و مردم نفهمیدند که او برای گناهان آنها بود، که کشته شد . بلی، او بجای مردم مجازات شد. هنگامی که خواستند او را همراه خطاکاران دفن کنند، او را در قبر مردی ثروتمند گذاشتند؛ اما هیچ خطایی از او سر نزده بود و هیچ حرف نادرستی از دهانش بیرون نیامده بود. ... هنگامی که ببیند غذایی که کشیده چه ثمری به بار آورده، راضی و خشنود خواهند شد.، در غیر این صورت می توان نشان داد ، کتاب مقدس تنها کتاب در تاریخ جهان است که مهربانی حقیقت را دارا می باشد .

۲. از طریق قیام عیسی ، خداوند در جُلجتا قربانی پسر خود را تصدیق کرد : هیچ چیز دیگری - نه اعمالمان و نه هیچ مذهبی ، قادر به پرداخت گناهان ما نیست . بلکه فقط خون ریخته شده عیسی مسیح بر روی صلیب جلجتا ست که تنها پاک کننده ی موثر است (نامه اول پطرس ۱ ، ۱۹) .

۳. قیام عیسی به عنوان یک اصل : قیام عیسی پایه رستاخیز ما ست و تضمینی برای آن ، که ما به واسطه او حیات جاودان را به دست آوردیم ، و او اینطور وعده داده است : ” من هستم که مردگان را زنده می کند و زندگی می بخشد ، هر که به من ایمان داشته

۴. هفت شاگرد (یوحنا ۲۱ ، ۲۲-۱) : عیسی خود را به ۷ شاگردش در کنار دریاچه جلیل نشان داد ، زمانی که آنها از ماهیگیری ناموفق خود باز می گشتند(شمعون پطرس ، توما ، نتنائیل ، پسران زبدي و دو نفر از دیگر شاگردان). بنا به کلام او ، آنها ۱۵۳ ماهی می گیرند و عیسی با آنها غذا می خورد .

۵. یازده شاگرد بر کوه جلیل (متی ۲۸ ، ۲۰-۱۶) : عیسی بر یازده تن از شاگردانش در جلیل ظاهر می شود و به آنها با تاکید ماموریتی جهانی می دهد ، که حضور من را تا انتهای دنیا به همه ابلاغ کنید : ” پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر ، پسر و روح القدس غسل تعمید دهید و به ایشان تعلیم دهید که تمام دستوراتی را که به شما داده ام ، اطاعت کنند . مطمئن باشید، من همیشه تا انقضای عالم همراه شما هستم ! ”

۶. بیشتر از پانصد نفر از برادران : در اول قرن‌تین ۱۵ آیه ۶ بزرگترین مجتمع شاهدان که همزمان برای ما شهادت داده اند . سپس او خود را به بیش از پانصد نفر از برادران ما ظاهر کرد ، که بسیاری از ایشان هنوز زنده اند و بعضی نیز فوت شده اند . ”

۷. حتی بعد از صعود به آسمان مسیح قیام کرده، خودش را چندین بار نشان داد . زمانی که استیفان به خاطر ایمانش به عیسی ، سنگسار می شود ، به آسمان نگاه کرد و عیسی را دید : استیفان به آسمان خیره شد و جلال خدا را دید و عیسی را دید ، که در دست راست خدا ایستاده بود : نگاه کنید ، من آسمان را می بینم که باز شده است و پسر انسان در دست راست خدا ایستاده است!“ (اعمال رسولان ۷ ، ۵۶-۵۵)

مورخان برجسته ، قیام مسیح را به عنوان قدیمی ترین تاریخ عهد باستان خوانده اند ! به عنوان مثال دانشمند مشهور ، پروفسور توماس فرانس (۱۸۴۲-۱۷۹۵) اینطور نوشته است. نویسنده کتاب چند جلدی "تاریخ رم " و استاد تاریخ مدرن در آکسفورد : من هیچ واقعیتی در تاریخ بشریت نمی شناسم که در یک تحقیق عادلانه توسط بهترین و کاملترین شواهد از همه زوایا اثبات شده باشد ، به عنوان بزرگترین نشانی که خدا به ما داده است ، یعنی اینکه مسیح مُرد و دوباره از مردگان برخاست . ” حتی وُلَف بیرمن شکاک و ترانه سرا ، قیام را به عنوان گرانترین ارز در بازار امید توصیف کرد .

تخیل یا واقعیت

قیام عیسی مسیح

بزرگترین رویداد در تاریخ جهان تا به امروز چیست؟

آیا اختراع کامپیوتری توسط کنراد زوزه (۱۹۹۵-۱۹۱۰) و یا کشف امریکا در سال ۱۴۹۲ توسط کریستف کلمب (۱۵۰۶-۱۴۵۱) یا اولین فرود یک انسان در ماه در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۹ توسط نیل آرمسترانگ (۲۰۱۲-۱۹۳۰) بوده است ؟ او به عنوان اولین انسان پای خود را بر روی سطح ماه گذاشت و اعلان کرد : " یک گام کوچک برای انسان ، اما یک قدم بزرگ برای بشریت " .

همه این حوادث بسیار قابل توجه بوده‌اند ، اما آنها در مورد رویدادی که به ویژه امروز می خواهیم به آن بپردازیم ، سوال نکردند و به آن حتی نیز نزدیک نشدند ، که آن **قیام عیسی مسیح از مردگان است** ! این واقعه یک ارتباط با همه ساکنین زمین دارد . در رد به بیانیه نیل آرمسترانگ می توانیم این طور فرمول بندی کنیم : که رستاخیز عیسی بزرگترین گامی بوده که زمانی برای بشریت صورت گرفته است .اما این همان چیزی ست که بیشترین شک و تردید را به دنبال دارد.



اعتراضات انتقادی به رستاخیز

در طول تاریخ، مردم بارها و بارها علیه باور به زنده شدن مردگان سخن گفته اند . اینجا می خواهم پنج رأی انتقادی را ذکر کنم .

۱.**صدوقیان** : یک دسته از افراد معتقد نزد عیسی آمدند ، که در مخالفت خودشان در برابر زنده شدن مردگان بایستند. آنها او را با یک سوال پیچیده به چالش کشیدند (متی ۲۲ ، ۳۳-۲۳) : هنگامی که هفت برادر که هرکدام پس از مرگ برادرش با زن او ، ازدواج کنند و در آخر آن زن نیز فوت کند ، در روز قیامت همسر کدامیک از آنها خواهد بود ؟ عیسی اعتراض آنها را با یک سخن بی اعتبار کرد ، که در آن سوی خط مرگ ، ازدواج دیگر وجود نخواهد داشت و آن را برای فریسیان به معما تبدیل کرد. که در خروج ۳ آیه ۶ ذکر شده است : ،،من هستم خدای ابراهیم ، خدای اسحاق و خدای یعقوب ؟،، اما از آنجایی که ابراهیم ، اسحاق و یعقوب در گذشتند ، در نتیجه باید دوباره از مرگ زنده شوند. زیرا ،، خدا ، خدای مردگان نیست ، بلکه خدای زندگان می باشد ،، (متی ۲۲ آیه ۳۲) .

۲.**مارتین هایدگر** : فیلسوف مشهور آلمانی (۱۹۷۶-۱۸۸۹) مارتین هایدگر درباره رستاخیز بنا به ایمان، استدلال نکرد ، ولی در عین حال او با یک استنباط مهم روبرو شد : ،، آیا عیسی ناصری از مردگان برخاسته است . اگر چنین باشد پس تمام شناخت علوم طبیعی موقتی است،، . او بارها و بارها نتیجه گرفت : اگر واقعا این درست باشد که عیسی ناصری از مردگان برخاسته است ، پس ما با افکار علمی خود ، یک توجیه بی حد و مرز را تحمیل کرده ایم.

۳.**رودلف آگستاین**: مدت کوتاهی قبل از مرگ رودلف اوگستاین (۲۰۰۳-۱۹۲۳) ، ناشر بزرگترین مجله خبری آلمانی " [شپیگل" پرسیدند : ،، آیا به خدا ایمان دارید ؟ " او پاسخ داد : ،،"خیر ... من به زنده شدن هر مرده ای اعتقاد ندارم ، پس اصلا هم مجبور نیستم خودم را با آن مشغول کنم . وقتی من رفته ام، پس رفته ام " .

۴.**یک کشیش در موعظه اضطراری** : درست قبل از عید پاک بود که من با یک کشیش صحبت کردم. او برای من توضیح داد ، وقتی عید پاک فرا می‌رسد ، به یک "موعظه اضطراری" وادار می شود. او به عنوان یک کشیش، به قیام عیسی ایمان نیاورده بود .

۵. "**مجله دی سایت**": روزنامه هفتگی ،دی سایت "چند وقت پیش در نسخه عید پاک خود (نشر ۱۶ در ۸ آوریل ۲۰۰۹) با سربرگ :



"داستان باور نکردنی در جهان " چنین نوشت - هیچ چیز باورنکردنی تر از قیام عیسی نمی باشد.

شاهدان عینی قیام

خدا می تواند از طریق یک پیامبر به ما اعلام کند : " رستاخیز عیسی اتفاق افتاده است و من او را از مرگ بازگرداننده ام " . ولی این امر موجب تردید بیشتری در صحنه می شد ، همانطور که در حال حاضر نیز می باشد. اما خدا این کار را نکرد . عیسی قیام خود را از طریق کلمات اعلام نمی کند ، بلکه او خود را اثبات می کند، او مستقیما خودش را بارها و بارها در مکانهای مختلف و فرصتهای متفاوت نشان می دهد .

در عهد جدید ، ۱۵ مرتبه از شاهدان عینی برای ما ذکر شده است ، که آنها عیسی را به عنوان قیام کرده و زنده تجربه کرده اند :

۱.**مریم مجدلیه** (یوحنا ۲۰ ، ۱۸-۱۱)

۲.**دو زن بر سر قبر** (متی ۲۸ ، ۹)

۳.**دو تن از شاگردان در راه دهکده «عمواس»** (لوقا ۲۴ ، ۱۳-۳۵)

۴.**پطرس** (لوقا ۲۴ ، ۳۴ ؛ اول قرننیان ۱۵ ، ۵)

۵.**ده شاگرد** ، بدون توما در یکشنبه عید پاک (یوحنا ۲۰ ، ۱۹)

۶.**یازده شاگرد** ، از جمله توما (یوحنا ۲۰ ، ۲۶)

۷.**هفت شاگرد**، در کنار دریاچه جلیل (یوحنا ۲۱ ، ۱-۲۲)

۸.**یازده شاگرد** ، برکوهی در جلیل (متی ۲۸ ، ۲۰-۱۶)

۹.**دوازده شاگرد** ، اول از پطرس(اول قرننیان ۱۵ ، ۵)

۱۰.**پانصد برادر** (اول قرننیان ۱۵ ، ۶)

۱۱.**یعقوب** ، برادر خداوند (اول قرننیان ۱۵ ، ۷)

۱۲.**همه رسولان** (اول قرننیان ۱۵ ، ۷ ؛ مرقس ۱۶ ، ۲۰-۱۹ ؛ لوقا ۲۴ ، ۵۰ ۵۳- ؛ اعمال رسولان ۱ ، ۱۲-۳ ، ۲۶)

۱۳.**استیفان** ، بعد از صعود به آسمان (اعمال رسولان ۷ ، ۵۶-۵۵)

۱۴.**پولس رسول** ، بعد از صعود به آسمان (قبل از دمشق در لحظه تبدیل : اعمال رسولان ۹ ، ۵-۳ ؛ در معبد : اعمال رسولان ۲۲ ، ۲۱-۱۷ ؛ در زندان سزاریه : اعمال رسولان ۲۳ ، ۱۱)

۱۵.**یوحنا ی رسول**، بعد از صعود به آسمان (مکاشفه ۱ ، ۲۰-۱۲)

برخی از این شهادتهای شاهدان عینی در اینجا آمده است:

۱.**مریم مجدلیه** (یوحنا ۲۰ ، ۱۸-۱) او صبح زود روز یکشنبه عید پاک به سمت قبر به راه افتاد . در باغی که مقبره عیسی واقع شده بود وارد شد ، خیلی هراسان بود و اشک میریخت ، چه کسی این سنگ سنگین را از قبر کنار زده است ؟ قبر خالی است . ترس زیادی او را در بر گرفت ، به سمت استراحتگاه دوید ، جایی که پطرس و یوحنا اقامت داشتند . آنها بلافاصله خود را به قبر رساندند . یوحنا از نفس افتاده بود و زودتر به آنجا رسید ، و بعد پطرس . مریم مجدلیه دورتر از پطرس به راه افتاده بود . یوحنا به قبر نزدیک می شود بدون آنکه داخل شود ، اما دید ، قبر خالی است و فقط کفنی که دور عیسی پیچیده بودند آنجا بود . وقتی مریم مجدلیه به قبر رسید ، پطرس و یوحنا رفته بودند . او وارد قبر شد و با وحشت متوجه شد که قبر خالی است . ناگهان دو فرشته نورانی با لباسهای سفید را دید ، جایی که جسد عیسی گذاشته شده بود ؛ یکی نزدیک سر و دیگری نزدیک پاها . او متوجه نمی شود که آنها فرشتگان هستند . آنها از مریم مجدلیه می پرسند : "چرا گریه می کنی؟" او در حال گریه می گوید : " شما خداوند مرا برده اید و نمی دانم او را کجا گذاشته اید " . (یوحنا ۲۰ ، ۱۳)

مریم سرش را برگرداند و ناگهان دید مردی پشت سرش ایستاده است . مریم گمان کرد او باغبان است که می پرسد :،، **چرا گریه می کنی ؟** دنبال چه کسی می گردی ؟ ،، (یوحنا ۲۰ ، ۱۵) . هنوز هم صدای او را نشناخته بود .او می پرسد "**تو او را برده ای ؟ بگو او کجا ست**" . سپس او را به نام صدا زد : " مریم ! " و وارد قلبش شد . هر گز کسی نام او را اینطور تلفظ نکرده بود و تا به حال شخصی او را با این ملایمت خطاب نکرده بود . اکنون بر او آشکار شد که چه کسی در مقابله ایستاده . این عیسی است که از مردگان برخاسته . او **نخستین شاهد** قیام عیسی بود.

۲.**دو تن از شاگردان در راه دهکده عمو آس** (لوقا ۲۴ ، ۱۳ -۳۱) : عیسی دو نفر از پیروانش را در دهکده عمو آس به سمت اورشلیم ملاقات میکند . او بر اساس انجیل در مورد مفهوم رنج خود برای آنها توضیح داده و با آنها غذا خورد . آنها او را موقع تکه کردن نان شناختند .

۳.**یازده شاگرد** (یوحنا ۲۰ ، ۲۸-۲۶) : هشت روز بعد از عید پاک ، عیسی بر ۱۱ تن از شاگردانش بار دیگر ظاهر شد . این بار توما هم همراه آنان بود . عیسی گذاشت توما او را برای غلبه کردن با بی ایمانی اش لمس کند : " انگشتت را در زخم دست هایم بگذار. دست به پهلویم بزن و بیش از این بی ایمان نباش . ایمان داشته باش . " توما گفت: ای خدا و ای خداوند من" (یوحنا ۲۰ ، -۲۷ ۲۸). توما عیسی رابه عنوان خداوند خود شناخت .

